

بخواهد می‌خرد!!! پندار غلط این افراد چنین سلسله فکر غلطی را ایجاد می‌کند و خدا می‌گوید: «وَأُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ». عبارت بسیار سنگینی است یعنی هیزم جهنم همین طرز فکر است. وقتی خدا می‌گوید: آتش جهنم با اینها افروخته می‌شود یعنی آتش جهنم از آنجایی شروع می‌شود که آدم‌ها احساس می‌کنند کسی یا چیزی غیر از خدا می‌تواند نیاز آنها را برطرف کند. اولین جرقه آتش، چنین اعتقادی است. این اعتقاد آغاز روشن شدن آتش در زندگی انسان است.

- آیه ۱۱: كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ: این نوع اعتقاد دأب آل فرعون بوده است. لذا این باور، چیزی است که انسان را همنشین و قرین می‌کند با فرعونیان و بسیاری از کسانی که قبلاً زندگی می‌کردند.

- كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا: ریشه این ماجرا، «تکذیب آیات» خداست. درباره آیه در سوره مبارکه «الرا» بسیار صحبت شد. «آیه» زمانی است که سراغ پدیده‌ای می‌رویم و از آن استفاده می‌کنیم ولی اثر را از پدیده نمی‌دانیم بلکه از صاحب پدیده می‌دانیم. مثلاً سراغ آب می‌رویم اما ساقی را خدا می‌دانیم. هم کافر و هم مؤمن هر دو سراغ وسیله می‌روند، اما یکی وسیله را مستقل می‌داند و دیگری هیچ نقش و اثری برای وسیله قائل نیست.

- اینکه خدا شدید العقاب است برای این است که اگر قرار باشد کسی از رحمت خدا محروم شود، از همه طرف سختی برایش می‌بارد. از زمین، و زمان می‌بارد و ...

- آیه ۱۲: گاهی متأسفانه مشکل در فهمان به وجود می‌آید و می‌پنداریم که کافران غلبه پیدا می‌کنند. دنیا دار مشاهده همین نزاحمات در عالم هبوط است. گاهی یزیدی، امام حسینی را می‌کشد و ظاهراً بر امام غلبه پیدا می‌کند اما واقعیت این است که خدا به پیامبرش می‌گوید: ای پیامبر به کسانی که کفر ورزیدند بگو: «به زودی به گونه‌ای در هم شکسته خواهند شد که برانگیخته می‌شوند به سوی جهنم».

- «مهد» وقتی انسان از همه جا خسته است به مهد پناه می‌برد. مهد محل سکنی گزیدن و آرامش است. زمین برای انسان مهد است. در بین همه زمین‌ها خانه انسان، «مهد» است. حال زمانی می‌رسد که آتش از مهد انسان برانگیخته می‌شود و این بدترین اتفاق ممکن است.

- البته متأسفانه آدم‌ها نوعاً مست و خواب هستند، آنگاه که سكرات مرگ آید، انسان تازه می‌فهمد که بسیار سخت و وحشتناک است. زمانی فرا خواهد رسید که انسان هیچ جایی برای دست انداختن و تکیه کردن ندارد و اگر قبلاً خدا برای او موضوعیت داشته باشد در آن هنگام تنها نیست اما اگر خدا برای او نباشد، «شدیدالعقاب» معنا پیدا می‌کند.

- امیرالمؤمنین (ع) خطبه‌ای دارند به نام «غراء». وقتی امیرالمؤمنین (ع) این خطبه را خواندند مردم می‌لرزیدند و بسیار متحیر شده بودند.

- آیه ۱۳: اگر کسی اهل عبرت گرفتن باشد، ماجرای جنگ بدر برایش کفایت می‌کند. عده‌ای از مؤمنین (حدود ۳۱۳ نفر) می‌خواستند یک کاروان تجاری را بگیرند که فقط سه الی چهار تا اسب داشتند و چند تا هم شمشیر. یکباره به جای کاروان تجاری با یک لشکر نظامی تا دندان مسلح مواجه شدند. در این زمان به خاطر ایمان مؤمنین، نصرت خدا می‌آید و چند هزار ملائکه را به کمک مؤمنین می‌فرستد، این گونه مؤمنین بر دشمن پیروز می‌شوند. این اتفاق، «آیه» است و می‌توان در آن دست خدا را دید باید در هر دو حالت دست خدا را ببینیم یعنی هم زمانی که ما لشکر کوچکی هستیم و دشمن لشکری چند هزار نفره دارد و هم زمانی که ما لشکر عظیمی هستیم و دشمن تعدادش کم است.

- باید دست خدا را در جاری پدیده‌ها ببینیم و این همان «آیه‌بینی» و «تکذیب نکردن» آیه است.

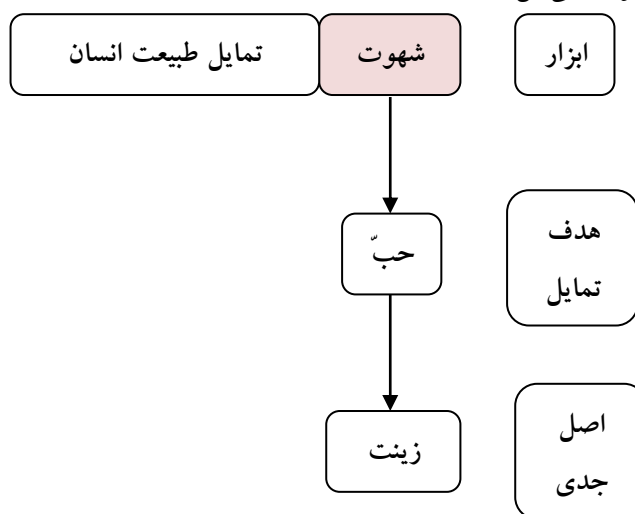
- در «جنگ بدر» خلوصی در جامعه ایمانی به وجود آمده بود، اما متأسفانه ماندگار نشد. در ابتدای ایمان، افراد توکلشان به خدا زیاد است اما بعد از گذر زمان، این خلوص و تکیه بر خدا، از بین می‌رود، لذا ثمره آن جنگ احد می‌شود.

- آیه ۱۴: این آیه، توضیح آفت‌هایی است که سیستم آیه‌بینی را خدشه‌دار می‌کند.

- منظور از «شهوت» در اینجا، «تمایل طبیعت در انسان» است. شهوت قرار بود در دنیا برای انسان «ابزار» باشد نه «هدف»، لذا نباید حبّ به آن ایجاد شود. ایجاد حبّ به شهوت یعنی «هدف شدن شهوت».

- توجه:

- ✓ شهوت اگر «ابزار» باشد یعنی تمامی شهوات انسان اعم از خوردن و خوابیدن و لذت‌های دیگر در انسان در خدمت فطرت قرار می‌گیرند.
- ✓ شهوت اگر «هدف» باشد یعنی همه شهوات در کنار فطرت قرار می‌گیرند و فرد می‌گوید: هم نماز و هم شهوات.
- ✓ شهوت اگر «زینت» باشد یعنی همه شهوات بالاتر از فطرت قرار می‌گیرند و در این حالت فرد از صبح تا شب برای شهواتش تلاش می‌کند و زمانی برای امور دینی‌اش ندارد.



- آیه ۱۴: ریشه شکل‌گیری شهوات در این موضوعات است: ۱- نساء ۲- بنین ۳- گنجینه‌های ذهب، فضه، خیل، انعام و حرث. اینها بن شهوات را ایجاد می‌کنند.

- نکته: وقتی مواردی چنان مهم است که می‌تواند جامعه‌ای را به هم بریزد (مانند موارد بالا) به این معناست که این موارد آنقدر قدرتمند هستند که می‌توانند جامعه‌ای را آباد کنند. یعنی اگر حکومتی خواست در جامعه‌ای توحید را رواج دهد در برنامه‌هایش این موارد مهم است. برنامه‌هایی که آن جامعه برای «پسران»، «زنان»، «گنجینه‌ها و ذخایر»، «حمل و نقل»، «کشت» و «تولید اعم از انعام و حرث» دارد. اینها می‌شوند پایه‌های مدیریت جریان طبیعی یک عالم. زیرا این موارد به آن جامعه جهت‌گیری فرهنگی می‌دهد.

- لذا اولین کاری که هر ولی الهی در جامعه انجام می‌دهد ایجاد طهارت و طیب در زن و زمین است. حرث و زن از یک جنس هستند. در قرآن داریم که وقتی شیطان بخواهد در جامعه خُبث ایجاد کند، آن را در حرث و نسل ایجاد می‌کند به همین دلیل اولین کار هر ولی الهی اصلاح زن و زمین است. اصلاح زن به معنای اصلاح جایگاه اجتماعی زن در جامعه است. به همین دلیل در انقلاب پیامبر (ص) و انقلاب اسلامی ایران، تغییر نگاه به زن بسیار اصلاح شد و اصلاً این تغییر با تغییر نگاه به مرد قابل مقایسه نیست. حتماً در انقلاب‌های الهی اولین تکیه آنها بر اصلاح جایگاه زن در جامعه است. این مسئله بن شکل‌گیری در یک جامعه است و لذا اگر شیطان بخواهد جامعه‌ای را زمین بزند از همین مدخل وارد می‌شود.

- اگر در هر اقلیمی بر «زن» و «زمین» حاکم شویم، آن اقلیم را در قیام کردن عقیم می‌کنیم.

- آیه ۱۵: خدا به پیامبرش در این آیه می‌گوید: «بگو: آیا شما را به بهتر از این [امور] خبر دهم؟». «بهتر از این» یعنی اینهایی که بساط شهوت هستند و مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌توانند مولد ایجاد معنویتی شوند که آن معنویت در واقع باید بالا آمده و این شهوات

نباید در کنار آن معنویت قرار گیرند. اینها می‌توانند بستر شوند تا انسان به یک خیری برسد که «عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ». یعنی مجموعه شهوات به واسطه تقوا، وسیله شدند برای تولید جنات تجری ... یعنی شهوات نباید در کنار یا بالاتر از اینها قرار بگیرند زیرا اصلاً شأن رضوان خدا و ازواج مطهره و ... با شهوات قابل قیاس نیستند. - به طور خلاصه می‌توان از «مِنَ النَّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْأَفْضَى وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرثِ» به قدر متاع حیات دنیا استفاده کرد و می‌توان از اینها به نوعی استفاده کرد که «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ» به دست آید.

- آیات ۱۶ و ۱۷ «عباد» را تعریف کرده‌اند.

- آیه ۱۶: اینها عبادی هستند که منطق زندگیشان شهوات دنیا را به رضوان الهی تبدیل می‌کند. آنها هم مثل ما می‌خورند و می‌پوشند و راه می‌روند و ... اما آنها از همه شهوات برداشت «رضوان» می‌کنند. ما نیز باید این‌گونه عمل کنیم. آنها «عبد» هستند. عبد سرتاپا ذنب است. «ذنب» صرفاً به معنای گناه نیست بلکه به معنای «دنباله‌های شوم» است که هم می‌تواند به واسطه گناه به وجود آید و هم غیر گناه. عبد هیچ چیز از خودش ندارد. او نه علم دارد و نه قدرت و همه آنها را خدا به او می‌دهد. لذا ابتدا می‌گوید: «رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». یعنی آنها لحظه‌ای فکر نکرده‌اند که خودشان هستند که دستاوردهای خوب را برای خودشان رقم می‌زنند. زیرا علم و توان و ... همه برای خداست.

- حال برای اینکه کسی فکر نکند که عبد، «ذنب» دارد به معنای گناه کردن است، در آیه ۱۷ صفت عبد را کاملاً توضیح می‌دهد.

- آیه ۱۷: آنها (یعنی عباد):

✓ اهل **صبر** هستند.

✓ اهل **صدق** هستند. یعنی هر کار خود را منطبق بر حکم خدا می‌کند.

✓ **قانت** هستند. یعنی کاملاً تابع است. تبعیت محض دارد.

✓ **منفق** هستند. یعنی دست کاملاً دهنده دارند و ذره‌ای بخل در آنها نیست.

✓ اهل **استغفار در سحرگاهان** هستند. استغفار برای آنان چنان دغدغه دارد که نمی‌گذارد سحر را بخوابند. او زمانی از شبانه

روز اهل استغفار و طلب است که طبیعت زندگی برای بقیه آدم‌ها، خوابیدن است.

- چنین آدمی با همه این کارهایی که می‌کند معتقد نیست که کارهایش دستاورد خودش است زیرا اگر انسان را لحظه‌ای به خودش واگذارند جز خراب کاری چیزی به بار نمی‌آورد.

- لذا عبد، اهل «صبر، صدق، انفاق، قنوت و استغفار» است اما هیچ کدام از اینها را از خودش نمی‌بیند. لذا از خدا می‌خواهد او را از عذاب ننگه دارد. او برای بهشت رفتن به خاطر کارهای خوبش از خدا طلبکار نیست. او ابداً خدا را با کار خویش در ضمان نمی‌داند.

- نکته: به قول امام خمینی (رحمت الله علیه): «بزرگترین حجاب استفاده از قرآن این بوده است که با چوب تفسیر به رأی به سر مردم زده‌اند و گفته‌اند خودتان نروید قرآن بخوانید». این جمله را در کتاب «آداب الصلوات» به قلم حضرت امام آورده‌اند. در حالی که بنا بر نظر امام بر هر مسلمانی واجب است که قرآن را بخواند و بفهمد.

- بنا بر آیه صریح خود قرآن، هر کس در قرآن تدبّر نکند بر قلبش قفل است. (سوره مبارکه محمد (ص): أَمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (۲۴))

رنگ دوم:

- آیه ۱۸: در سوره مبارکه انعام، درباره موضوع «شهادت خدا بر خودش و ملائکه» توضیح داده شد که مهم‌ترین شاهد بر وحدانیت خدا، «خود خدا»، «ملائکه» و «اولوالعلم» هستند.

- نکته مهم: مثال: اگر بخواهیم «شهادت دهیم که یک ماژیک آبی در ساختمان هست»، اگر آن ماژیک را نشان دهیم یعنی شهادت داده‌ایم که «هست» و حال اگر بخواهیم «شهادت دهیم که یک ماژیک آبی در ساختمان نیست» یعنی ادعا می‌کنیم تمامی سوراخ‌ها و جزئیات ساختمان را گشته‌ایم و نیافته‌ایم. با توجه به این مثال حساسیت شهادت دادن این گروه‌ها در این آیه بسیار بالا می‌رود زیرا اینها دارند شهادت می‌دهند که «خدایی جز این خدا نیست»، یعنی ما همه جای این عالم و تمامی سوراخ‌های این عالم را دیده‌ایم که «خدایی جز این خدا نیست». لذا خدا و ملائکه و اولوالعلم به تمامی سوراخ سمبه‌های عالم هستی مسلط هستند. اولوالعلم نیز بر همه عالم تفوق دارند. در واقع این آیه به نوعی وسعت وجودی اینها را نیز اعلام می‌کند.

- عبارت «اولوا» اوج دارندگی است. اولوالابصار، اولوالعلم، اولوالنهی، اولوالاید و ... نوعاً واژه‌هایی هستند که به لحاظ مصداقی فقط با پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و انبیاء (ع) همخوانی دارند.

- نکته: در انتهای نماز خواندن، «سلام دادن» است. اما سلام، ادامه شهادت است، شهادت می‌دهیم به اینکه «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسوله» یعنی شهادت به اینکه غیر از خدا در عالم نیست و ...
- حضرت علامه آیات ۱۹ تا ۲۵ را یک دسته در نظر گرفته‌اند:

آیات ۱۹ تا ۲۵:

<p>إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعَ الْحِسَابِ (۱۹)</p> <p>در حقیقت، دین در نزد خدا همان اسلام است، و اهل کتاب در آن اختلاف نکردند مگر پس از آن که به حَقانیت آن پی بردند، آن هم به خاطر حسد و رقابت میان خویش. و هر که به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا سریع الحساب است.</p>
<p>فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۲۰)</p> <p>پس اگر با تو به محاجّه برخاستند بگو: من و هر که پیرو من است روی دل به خدا سپردیم. و به کسانی که کتاب داده شدند و به بی‌سوادان [مشرک که کتاب ندارند] بگو: آیا اسلام آوردید؟ پس اگر مسلمان شدند قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برافشاندند تنها رساندن پیام بر عهده‌ی توست، و خداوند به بندگان بیناست.</p>
<p>إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱)</p> <p>کسانی که آیات الهی را انکار می‌کنند و به ناحق پیامبران را می‌کشند و مردمی را که به عدالت فرمان می‌دهند به قتل می‌رسانند، آنها را به عذابی دردناک بشارت ده.</p>
<p>أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۲)</p> <p>آنها کسانی هستند که در دنیا و آخرت اعمالشان به هدر رفته و برای آنان هیچ یآوری نخواهد بود.</p>
<p>أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِنْهُمْ وَهُمْ مَعْرُضُونَ (۲۳)</p> <p>آیا کسانی را که بهره‌ای از کتاب یافته‌اند ندیدی که چون به کتاب خدا فراخوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند، گروهی از آنان به حال اعراض پشت می‌کنند؟</p>
<p>ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)</p> <p>این بدان سبب است که آنها گفتند: هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید، و دروغ‌ها که می‌ساختند آنها را در دینشان فریب داد.</p>
<p>فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوَقَّيْتُ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۵)</p> <p>پس چگونه خواهد بود آن‌گاه که آنان را در روزی که در آن تردیدی نیست گرد آوریم و به هر کس نتیجه دستاوردش به تمامی داده شود و بر آنها ستمی نرود؟</p>

آیه ۱۹: دین نزد خدا، فقط «اسلام» است.

- خدا برای اینکه مسیر اولوالالباب را برویم و دچار مسیر «فی قلوبهم زیغ نشویم»، «دین» را قرار داده است.

- خدا برای این کار دین و مسیر دین را قرار داده است. جانمایه دین، چیزی غیر از اسلام و تسلیم نیست.

- نکته: همه ادیان آسمانی و همه شریعت‌های انبیاء (ع)، «دین اسلام» بوده است. آنچه که ما به آن دین می‌گوییم، قرآن به آن «شریعت» می‌گوید. برنامه و عاقبت مترتب بر برنامه را «دین» گویند. در هر دوره‌ای شریعت خاصی از دین نازل شده است.

- اگر بخواهیم کل دین و کل شریعت انبیاء (ع) را خلاصه کنیم باید به آن «اسلام» گوئیم.
- در کتاب تدبیر در ساحت بیت، فصل چهارم درباره «اسلام و تسلیم» توضیح خوبی داده شده است.
- دین همیشه یکی بوده است و شریعت انبیاء هیچ‌گاه با هم اختلافی نداشته و در تعارض نبوده است. اینکه می‌گویند: «عیسی به دین خود و موسی به دین خود» بسیار جمله غلطی است.
- به همان دلیلی که امام حسن (ع) بر اساس شریعت حضرت رسول (ص) صلح می‌کند، به همان دلیل هم امام حسین (ع) بر اساس شریعت حضرت رسول (ص) می‌جنگد. در زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نوع مبارزه متفاوت است.
- شریعت‌های انبیاء (ع) با هم اختلافی نداشتند. مثلاً این‌گونه نبوده که در یک شریعت می‌گساری آزاد باشد و در شریعت دیگر نباشد بلکه یک شریعت چون در موقعیت خاصی نازل شده است، می‌گساری را حرام نکرده و در شریعت دیگر حرام شده است. یعنی براساس بسترهای مختلف، حرامی، حلال و حلالی، حرام می‌شود.
- توجه: اگر می‌گساری در دین حرام است در همه شریعت‌ها حرام است اما ممکن است در زمان حضرت عیسی (ع)، زمانه مشابه اوایل رسالت حضرت رسول (ص) بوده باشد لذا با اینکه ذات می‌گساری حرام بوده است، به مردم حرمت قطعی گفته نشده بود.
- نکته: «شریعت‌ها» متشابه هستند و «دین» محکم. بعضی از گزاره‌ها مربوط به دین است. مانند اینکه «باید با ظلم و ستم مبارزه کرد» که این گزاره یک گزاره محکم است. اما نوع مبارزه در زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) متفاوت است که این شریعت است و متشابه می‌باشد.
- توجه: مست شدن کلاً در دین حرام است. اینکه انسان حالتی را بر خود عارض کند که نفهمد دور و اطرافش چه اتفاقی می‌افتد. یعنی این گزاره محکم است که «مست شدن مطلقاً حرام است و خرید و فروش آن هم حرام است». حال هر آنچه که حالت مستی در انسان ایجاد کند حرام است: مانند شراب، مواد مخدر، گاهی اوقات رسانه و ... حکم شراب همین الان هم قابل توسعه است. اما جامعه کشتش یک سری از محرمات را ندارد که در حال حاضر حرام شوند اما در آینده اگر جوامع ظرفیت پیدا کنند، حکمش خواهد آمد. الان هم ما در معرض بعضی از احکام نیستیم زیرا جامعه ما ظرفیت آن را ندارد مثلاً ممکن است در زمان امام زمان (ع) حکم رسانه و دیدن آن تغییر کند. بنابراین حکم‌ها قابل توسعه هستند و این توسعه دادن کار شریعت‌هاست بر اساس تغییر اقتضانات مخاطب.
- نکته: چیزی تحت عنوان «اجتهاد»، فقط در اسلام وجود دارد و در شریعت‌های دیگر نیست. ماجرای زنده بودن دین دستاورد نگاه اسلام است. در مسیحیت استفتاء کردن از علماء ممنوع است. در آنجا دین یک چیز کالیبره شده، آن هم فقط در بعضی از موضوعات مشخص است. آیا خدا تعریفش از دین این بود؟!!! آیا شما با این عملکردتان نسبت به دین دست خدا را نبسته‌اید؟
- در اسلام، دکتر اگر تشخیص داد و گفت روزه نگیر، حرام است روزه بگیریم یعنی در همه جزئیات حکم خدا به میان می‌آید.
- به خیلی از افراد روایت درستی از اسلام نرسیده است. هم ما نگفتیم و هم آنان دنبال تحقیق بر دین نرفته‌اند.
- روزی خواهد رسید که اسلام را چنان دقیق معرفی می‌کنند که همه افراد به دین می‌گروند و افرادی که نگروند، جاهل‌اند یا معاند.
- «وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ اٰتُوا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيٰتِ اللّٰهِ: اختلاف فقط در اهل کتاب به وجود آمد. یعنی اختلاف در شریعت‌ها نبود بلکه اختلاف را تابعین شریعت‌ها به وجود آوردند.
- انبیاء (ع) دین واحد هستند و اگر همه انبیاء (ع) در یک اتاق جمع شوند، هیچ اختلافی نخواهند داشت زیرا هر کدام از انبیاء (ع) در هر لحظه حق را عمل می‌کنند و همه در یک موقعیت واحد یک کار انجام می‌دهند.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد رب العالمين

- ادامه آیات یعنی از آیه ۲۰ به بعد جلسه آینده.